

آموزه‌هایی از مدیریت در قرآن با نگرشی بر جزءهای ۱۶ الی ۱۸ قرآن

نیلوفر محمد طاهری*

چکیده: پر واضح است که هریک از سوره‌های قرآن مجموعه‌ای منسجم و بهم پیوسته است که هدف واضح و روشنی را محقق می‌سازد، و هر آیه به وسیله روش‌های متفاوت این هدف را دنبال می‌کند. سوره‌های قرآن مانند زنجیره بهم پیوسته‌ای هستند که هر سوره با سوره‌های قبل و بعد از خود ارتباط معنایی دارد و از نظر هدف مکمل یکدیگرند. مدیریت اسلامی از موضوعاتی است که در برخی از سوره‌های قرآن تلویحاً یا مستقیماً به آن اشاره شده است و در نهایت هدف غایی همه سوره‌های قرآن رشد و اعتلای انسان و بارور ساختن استعدادهايش می‌باشد. در این مقاله ابتدا مفاهیمی از مدیریت، مدیریت اسلامی و وظایف مدیر از نظر اسلام بیان شده است. همچنین به بررسی نکات مدیریتی قرآن از ابتدای جزء ۱۶ تا پایان جزء ۱۸ می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: قرآن، مدیریت، مدیریت اسلامی

مقدمه

از نگاه قرآن و ادیان الهی انسان علت و محور تامة آفرینش است و مجموعه هستی برای رشد و اعتلای او خلق شده است، بر اساس بینش قرآنی مدیران خدمتگزاران صدیق جامعه می‌باشند و همه توان و تلاش خود را جهت ارائه خدمات برتر به کار می‌گیرند، تا استعدادهای بالقوه انسان شکوفا، و توسعه متوازن و پایدار محقق، و درخت عدالت بارور گردد. قرآن کریم منبعی است جهت انسان سازی و هدایت بشر به سوی کمال و به عنوان سرچشمه تمامی علوم و هنرهای اسلامی می‌باشد.

در این کتاب آسمانی رهنمودهایی ارزشمند در مورد انسان و راه‌های درست زندگی، در ابعاد گوناگون مطرح شده است و همانند چراغی است، که نور هدایت را بر مسیر زندگی انسان می‌تاباند. باشد تا انسان‌ها با بهره‌گیری هر چه بیشتر از این چراغ هدایت در تقرب و رضای حق از یکدیگر پیشی گیرند.

مدیریت و رهبری یکی از مسائلی است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم در آیات نورانی قرآن بسیار مورد اشاره قرار گرفته است.

این مقاله ابتدا تعاریفی چند از مدیریت، وظایف مدیر و مدیریت اسلامی ارائه می کند. سپس به بیان نکات مدیریتی از ابتدای جزء ۱۶ تا پایان جزء ۱۸ که شامل سوره‌های کهف از ابتدای آیه ۷۵ الی آخر، و سوره‌های مریم، سوره طه، سوره انبیاء، سوره حج، سوره مومنون، سوره نور به طور کامل و سوره فرقان از ابتدای سوره تا آخر آیه ۲۰ می پردازد. باشد تا بتواند حق مطلب را چون قطره ای از آن دریای بیکران ادا کند.

تعریف مدیریت

مدیریت از نظر لغت یعنی اداره کردن و مدیر اسم فاعل از مصدر اداره کردن به معنای اداره کننده است (اختری، ۱۳۶۹، ص ۳۲).

مدیریت کوشش یا فعالیت لازم برای اداره ورهبری یک کار ویژه یا کل تشکیلات و به طور اخص اداره افرادی که با آنان کار می کند از طریق کنترل و نظارت بر مردم، امکانات، سرمایه، مواد و سایر منابع برای دستیابی به اهداف تشکیلات یا سازمان می باشد (میرکمالی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۰).

مدیریت عبارت است از فرایندی برای حل مسائل مربوط به تامین هدف های سازمانی به نحو مطلوب از طریق استفاده موثر و کارآمد از منابع کمیاب در یک محیط در حال تغییر (ایران نژاد پاریزی و ساسان گهر، ۱۳۷۹، ص ۱۸).

مدیریت یعنی تصمیم گیری و این وظیفه، مهم ترین و اصلی ترین نقش مدیریت است (الوانی، ۱۳۶۷، ص ۱۰).

مدیریت عبارتست از علم، هنر و فن بکارگیری منابع (انسانی، مالی، فن آوری، اطلاعاتی، ارزشی و زمان) از طریق برنامه ریزی، سازمان دهی، هدایت و کنترل در یک محیط متغیر در جهت تحقق اهداف سازمان در چارچوب فرهنگ حاکم بر جامعه (حیدری تفرشی، ۱۳۸۶، ص ۱۰).

مهارت ها و وظایف مدیران

صاحب نظران معتقدند که مدیران برای انجام وظایف خود نیازمند سه دسته مهارت عمده هستند که عبارتند از:

الف) مهارت های فنی: یعنی توانایی به کار بردن روش، فنون، وسایل و ابزار مورد نیاز برای انجام وظایف خاصی که از راه تجربه و آموزش به دست آمده باشد.

ب) **مهارت‌های انسانی:** شامل توانایی کار با مردم و به وسیله آنان، به انضمام آگاهی از فنون تشویق و اینکه به کار گرفتن رهبری موثر از طریق ایجاد ارتباط، انگیزاننده‌ها و گرایش‌ها باشد.

ج) **مهارت‌های ادراکی:** توانایی ادراک مشکلات سازمان، مفاهیم برنامه‌ای، تشخیص موقعیت‌ها و مسائل و اینکه یک فرد برای چه بخشی از سازمان مناسب است، می‌باشد. از اواخر قرن نوزدهم، چهار وظیفه برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و نظارت برای مدیر تعیین کرده‌اند و امروزه علاوه بر این چهار وظیفه، وظایف دیگری مانند مشارکت، تغییر، مدیریت استراتژیک، مدیریت بحران، مدیریت زمان و مدیریت آموزش در نظر گرفته شده است (همان منبع، ص ۱۷-۱۶).

تعریف مدیریت اسلامی

نویسندگان و صاحب‌نظرانی که در قلمرو مدیریت اسلامی و دیدگاه‌های اسلام در مورد مدیریت قلم زده‌اند هر یک به فراخور برداشت و ذهنیت‌های خود از اسلام، مبانی اخلاقی و سیره پیامبر (ص) و معصومین (ع) به طور مستقیم و یا غیرمستقیم تعاریف و یا توضیحاتی را ارائه داده‌اند که نوعی مفهوم مدیریت اسلامی از آن مستفاد می‌شود. با توجه به این که دامنه این برداشت‌ها و تعاریف‌ها (که بیشتر بر محور ارزش‌ها و مبانی اخلاقی مکتب اسلام و سیره پیشوایان دین قرار داشته‌اند) گسترده و از نظر نوع نگاه نیز (در عین نزدیک به هم بودن) متنوع است.

به تعدادی از تعاریف‌های ارائه شده در مورد مدیریت اشاره می‌شود:

«افجه‌ای» مدیریت اسلامی را مقوله‌ای مکتبی می‌داند و وظیفه مکتب نیز از نظر او آرایه راه‌حل‌هایی است که با مفهوم عدالت خواهی سازگار است (افجه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۱۶).

«مشرف جوادی» معتقد است در مدیریت اسلام (اسلامی)، ابتدا محور رابطه با ... و حرکت به سوی او همراه با قادر مطلق دانستن وی و شهادت به یگانگی یعنی فقط یاری و کمک طلبیدن از او منظور است (مشرف جوادی، ۱۳۷۸، ص ۱۱).

حضرت آیه ... مصباح یزدی نیز برای مدیریت اسلامی سه معنی و برداشت قایل می‌باشند: «... بررسی شیوه مدیران مسلمان در طول تاریخ امت اسلامی، تحلیل شیوه‌های مدیریت مسلمان و نشان دادن خصلت‌هایی است که از مسلمان بودن آنان نشأت گرفته است و معنای سوم این که مسائل مدیریت اسلامی را در منابع اسلامی (قرآن و سنت) مورد بررسی قرار دهیم و سیره

مدیران معصوم (ع) را نیز به عنوان سنت عملی مورد توجه قرار دهیم». (دیدگاه‌های اسلام درباره مدیریت، ۱۳۷۸، ص ۲۸-۲۷).

وظایف مدیر از دیدگاه اسلام

در مکتب اسلام مدیران دارای وظایف متعددی در قبال سازمان و کارکنان تحت امر خود می‌باشند. مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- ۱- تصمیم‌گیری
- ۲- برنامه‌ریزی
- ۳- سازماندهی
- ۴- هماهنگی و کنترل
- ۵- ایجاد انگیزه و ابتکار
- ۶- چاره‌جویی و پیشگیری
- ۷- بررسی و ارزیابی عوامل، پیروزی و ناکامی
- ۸- جمع‌آوری اطلاعات و آمار لازم
- ۹- جذب نیروهای صالح
- ۱۰- تشویق و تنبیه (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ص ۴۹)

ویژگی‌های عمده مدیران از دیدگاه اسلام

مدیران در مکتب اسلام، به خاطر دارا بودن ویژگی‌های شاخص بر مبنای نظام ارزشی اسلام از مدیران سایر مکاتب متمایز هستند عمده‌ترین این ویژگی‌ها عبارتند از:

- ۱- ایمان به هدف
- ۲- علم
- ۳- قدرت
- ۴- امانت و درستکاری
- ۵- صداقت و راستی
- ۶- حسن سابقه
- ۷- وراثت صالحه
- ۸- سعه صدر

۹- دلسوزی و عشق به کار

۱۰- تجربه و آزمودگی

۱۱- شجاعت و قاطعیت

۱۲- عدالت و دادگری

۱۳- پایگاه مردمی

۱۴- پایبندی به اصول و ضوابط (همان منبع، ص ۱۴۸)

سوره کهف از ابتدای آیه ۷۵ الی آخر

«أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدَتْ أَنْ أَعْيِبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا» (کهف، ۷۹)

«اما کشتی، از آن بینوایانی بود که در دریا کار می کردند، خواستم آن را معیوب کنم زیرا پیشاپیش آنان پادشاهی بود که هر کشتی درستی را به زور می گرفت.»

یکی از نکاتی که مدیران در طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و تصمیمات خود باید لحاظ کنند دفع افسد به فاسد و ترجیح اهم بر مهم است (داشتن کشتی معیوب بهتر از نداشتن آن است) (قرائتی، ۳۰۰ نکته مدیریتی).

«قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّا يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَيَّ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا» (کهف، ۹۴)

مردم به ذوالقرنین گفتند: «ای ذوالقرنین، یا جوج و ماجوج سخت در زمین فساد می کنند، آیا ممکن است مالی در اختیار تو قرار دهیم تا میان ما و آنان سدی قرار دهی؟»

مردم در جایی سرمایه‌گذاری می کنند که نسبت به آن احساس نیاز کنند، مخصوصاً اگر نیازهای اساسی باشد. لذا سازمان‌ها باید به دنبال کارهایی باشند که در پی برآوردن نیازهای مردم باشد و از این طریق سرمایه‌های آنها را برای انجام برنامه‌ها به کار گیرند. (قرائتی، ۳۰۰ نکته مدیریتی).

آیات این سوره اشاره دارد به اینکه تحرک، مسئولیت پذیری، و مثبت گرایی را راه نجات از فتنه‌ها است، نه بی کار نشستن، تسلیم شدن و منفی گرا بودن (عمرو خالد، ۱۳۸۹، ص ۲۶۲).

سوره مریم

«يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا» (مریم، ۷)

«ای زکریا! تو را به پسری - که نامش یحیی است - مژده می دهیم، که قبلاً همنامی برای او قرار نداده ایم.»

مدیران، نام گذاری طرح‌ها، پروژه‌ها و محصولات را ساده نگیرند، زیرا نام نشانه اهداف، رسالت، مأموریت و فرهنگ سازمان است (قرائتی، ۳۰۰ نکته مدیریتی).
«وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا» (مریم، ۱۳)

«و نیز از جانب خود مهربانی و پاکی به او دادیم و تقوا پیشه بود.»

این آیه دلالت بر صداقت، راستی، ایمان و تقوای مدیران اسلام اشاره دارد، که همواره کسانی باید به عنوان مدیر برگزیده شوند، که خود دارای اخلاق و صفات نیکو باشند.
«فَكُلِّي وَاشْرَبِي وَقرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرِينِ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا» (مریم، ۲۶)

«و بخور و بنوش و دیده روشن دار. پس اگر کسی از آدمیان را دیدی، بگویی: «من برای خدای رحمان روزه نذر کرده ام، و امروز مطلقاً با کسی سخن نخواهم گفت.»

این آیه اشاره بر این موضوع دارد که مدیریت فقط مختص مردان نبوده و به اهمیت و جایگاه زنان در اسلام و مدیریت نیز اشاره دارد.
نکته دیگر اینکه بر اقتضای شرایط گاهی اوقات در شرایط حاد بهتر است مدیر سکوت اختیار کند .

«وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» (مریم، ۵۵)

«و خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می داد و همواره نزد پرورگارش پسندیده رفتار بود.»
مدیران و رهبران سازمان‌ها و کسانی که مسئولیت‌های سنگین اجتماعی دارند نباید از خانواده خود غافل شوند، بلکه باید علاوه بر مسئولیت اجتماعی، به مسئولیت خود در خانواده نیز بپردازند (قرائتی، ۳۰۰ نکته مدیریتی).

سوره طه

«قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» (طه، ۲۵)

گفت: «پروردگارا، سینه ام را گشاده گردان.»

سعه صدر یکی از ویژگی‌هایی است که مدیران در هنگام سختی‌ها از خود نشان می دهند، تا بتوانند با تامل و تفکر بیشتری با زیردستان خود رفتار کنند و برای مشکلات چاره اندیشی کنند.

در آیات ۲۵ تا ۳۴ سوره مبارکه طه به اصول اخلاقی مدیریت اسلامی اشاره شده که مهمترین آنها عبارتند از: (لودین، ۱۳۸۰، ص ۱۰۵).

الف) شرح صدر

به معنای بازکردن و گسترش سینه است، شرح صدر ظرفیت فکری و روحی و یا گنجایش مدیر برای ادراکات و احساساتی است که بر او وارد می‌شود. کسی که سینه اش برای آنچه به آن وارد می‌گردد از علم، قدرت، خوشی، ناخوشی، راحتی و ناراحتی احساس تنگی نمی‌کند، دارای شرح صدر است. شرح صدر چه در بعد مثبت و چه در بعد منفی، یعنی چه شرح صدر اسلامی یا شرح صدر کفری چه شرح صدر برای پذیرش حق یا شرح صدر برای پذیرش باطل از شرایط و لوازم اجتناب ناپذیر مدیریت است.

ب) آسان شدن کار

در اسلام برنامه‌ها به طوری اصولی و آسان برای مردم عرضه شده که فرد و جامعه در آسایش باشند و اگر سختی هم باشد به خاطر تکامل بشر است، آن دسته از آیات و روایات اسلامی که دلالت دارند بر این معنا که اسلام دین آسایش و آسانی است، با آن دسته از آیات که تکامل انسان را در پرتو سختی‌ها می‌داند، متناقض نیستند. بنابراین قرآن برنامه تکامل انسان است و در این برنامه مادیات و معنویات، دنیا و آخرت توأمان مورد توجه قرار گرفته‌اند. لذا مادیات و آسایشی که قرآن برای انسان می‌خواهد با معنویت و سختی‌هایی که انسان برای تکامل معنوی آنها را تحمل می‌کند منافاتی ندارد (همان منبع، ص ۱۳۵).

ج) رسایی سخن

حضرت موسی (ع) علاوه بر شرح صدر و آسانی نسبی امر رسالت و امامت برای اینکه بتواند به خوبی عهده دار مدیریت قوم خود شود تقاضای دیگری از خداوند متعال داشت و آن اینکه سخنش رسا و برای عموم مردم قابل فهم باشد.

فصاحت و مدیریت، سخن وسیله‌ای است که مدیر را با افراد تحت مدیریت مرتبط می‌سازد، اهداف مدیریت را منتقل و راه رسیدن به آن را مشخص می‌کند و دیگران را به تلاش برای تحقق اهداف مدیریت وا می‌دارد. بنابراین هر قدر مدیر بتواند از این وسیله بهتر استفاده کند در اعمال مدیریت موفق تر است.

امام علی (ع) می‌فرماید: «هیچ چیز به اندازه زبان، دل انسان را به دنبال خود نمی‌کشانند» (همان منبع، ص ۱۴۴).

اعجاز سخن، رسایی سخن و نفوذ کلام یکی از مهمترین علل موفقیت پیامبر اسلام (ص) بود. اصولاً بزرگترین معجزه خاتم الانبیاء سخن است.

«وَأَشْرِكُهُ فِي أُمْرِي» (طه، ۳۲)

«و او را شریک کارم گردان.»

بهتر است مدیر در مواردی از مشارکت و همکاری دیگر اعضای سازمان بهره جوید، و به صورت مدیریت مشارکتی عمل نماید. مدیریت مشارکتی باعث خلاقیت و پویایی سازمان می شود.

«أَذْهَبَا إِلَيَّ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى» (طه، ۴۳)

«به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته.»

مدیر نباید به تنهایی اقدام کند، بلکه باید اول همفکر و یار پیدا کند و سپس حرکت کند (قرائتی، ۲۰۰ نکته فرهنگی).

«فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَقَطَّلَ عَلَيْكُمُ الْعِهْدَ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَجِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوْعِدِي» (طه، ۸۶)

«پس موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود برگشت و گفت: «ای قوم من، آیا پروردگارتان به شما وعده نیکو نداد؟ آیا این مدت بر شما طولانی می نمود، یا خواستید خشمی از پروردگارتان بر شما فرود آید که با وعده من مخالفت کردید؟»

تخلف از فرامین جانشین، تخلف از خود مدیر است. حضرت موسی به کسانی که از فرمان جانشینش (هارون) تخلف کردند، گفت: شما از من تخلف کردید (قرائتی، ۳۰۰ نکته مدیریتی).

«قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي» (طه، ۹۴)

«گفت: ای پسر مادرم، نه ریش مرا بگیر نه موی سرم را، من ترسیدم بگوئی: میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و سختم را مراعات نکردی.»

در اتخاذ تصمیمات باید به عوارض و پیامدهای آن توجه کرد و این نکته را مد نظر قرار داد که حفظ وحدت و انسجام سازمان، مهم تر از توجه به مسائل دیگر است (قرائتی، ۳۰۰ نکته مدیریتی).

«وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا» (طه، ۱۱۲)

«و هرکس کارهای شایسته کند، در حالی که مومن باشد، نه از ستمی می هراسد، نه از کاسته شدن.»

مدیران باید کارکنان را به انجام کارهای درست تشویق کنند و در آنها ایجاد انگیزه و ابتکار کنند، و این اطمینان را برای کارکنان ایجاد کنند، که در صورت انجام صحیح کارها، پاداش نیک دریافت می‌کنند.

«فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه، ۱۱۴)

«پس بلند مرتبه است خدا، فرمانروای بر حق، و در خواندن قرآن پیش از آنکه وحی آن بر تو پایان یابد، شتاب مکن، و بگو: «پروردگارا بر دانشم بیفزای.»

مدیران و مسئولان باید دائماً به فکر ارتقای سطح علم و دانش خود باشند و هر قدر می‌آموزند باز هم خود را کامل ندانند و در افزایش هر چه بیشتر دانش خود تلاش کنند. و علم‌اندوزی یکی از ویژگی‌های بارز مدیریت اسلامی می‌باشد.

سوره انبیاء

«قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ» (انبیاء، ۱۴)

«گفتند: ای وای بر ما، که ما واقعاً ستمگر بودیم.»

این آیه اشاره به کسانی دارد که از دستورات پیامبر سرپیچی کردند و دریافتند که در اشتباه بودند.

در سازمان نیز کسانی که در کار مدیر اختلال و بی‌نظمی ایجاد می‌کنند در نهایت در می‌یابند که دچار اشتباه شده‌اند و فرصت‌های خود را از دست داده‌اند.

در خطبه ۱۶۷ از نهج البلاغه نیز این امر آشکار است. حضرت در این خطبه می‌فرماید: خداوند سبحان کتاب راهنما را فرستاد و خیر و شر در آن تبیین نمود. مسیر خیر را پیش بگیرد تا هدایت شوید و از سمت شر اعراض کنید و در راه معتدل و ثواب گام بردارید (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۷، ص ۴۹۷).

«وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ» (انبیاء، ۵۱)

«و درحقیقت پیش از آنکه به ابراهیم رشد فکری اش را دادیم و ما به شایستگی او دانا بودیم.»

شایسته سالاری یکی از ملاک‌های مهم در انتخاب مدیر می‌باشد و مدیران افرادی هستند فرزانه، عالم، دانا، فکور هستند.

«وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (انبیاء، ۷۳)

«و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند، و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و برپا داشتن نماز و زکات را وحی کردیم و آنان پرستنده ما بودند».

این آیه نشان می دهد که خدا هیچ گاه انسان را بدون رهبر و راهنما نگذاشته است و رسولان و امامان در همه دوره‌ها برای مدیریت و رهبری انسان‌ها در امور مختلف زندگی فرستاده شده اند. و مدیران مردم را برای انجام کارهای نیک و برپایی نماز و زکات تشویق می کنند.

و حضرت در خطبه ۱۴۴ نهج البلاغه نیز درباره بعثت پیامبران این چنین می فرمایند: خداوند سبحان پیامبران خود را با وحیی که در اختصاص آنان قرار داده بود، فرستاد و آنان را حجت خود برای مردم تعیین نمود تا مردم به جهت نبودن وسیله ای برای عذر، حجت بر خدا نداشته باشند لذا آنان را با زبانی راستگو به راه حق دعوت نمود (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۴، ص ۴۱۳).

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء، ۱۰۵)

«و در حقیقت در زبور پس از تورات نوشتیم، که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.»

این آیه اشاره بر این موضوع دارد که کسانی که از پیامبر پیروی کنند به پاداش های نیکو می رسند. در سازمان نیز کسانی که از دستورات و مقررات و در انجام کارها از مدیر پیروی کنند همواره به پاداش های درونی و بیرونی نیکویی می رسند.

در کل سوره انبیاء یکی از سوره هایی است که به عنوان یک الگوی خوب برای مدیران در جهت رهبری، شیوه رفتار با زیردستان، اخلاق مدیر و در نهایت چگونگی انجام رسالت مهم مدیریت می باشد و بر ضرورت وجود رهبر و مدیر در تمامی دوره ها اشاره دارد.

سوره حج

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَ لَا كِتَابٍ مُنِيرٍ» (حج، ۸)

«و از میان مردم کسی است که درباره خدا بدون هیچ دانش و بی هیچ رهنمود و کتاب روشنی به مجادله می پردازد.»

مدیران نباید به دلیل اشتباه برخی از افراد سازمان، همه را توبیخ کنند (قرائتی، ۳۰۰ نکته مدیریتی).

«الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج، ۴۱)

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و فرجام همه کارها از آن خداست.

در این آیه این نکته مورد توجه است که مدیران در عین قدرت و جایگاه والای خود، همواره به انجام وظایف خود متعهد هستند. و در صدقند که مردم را نیز جهت انجام هر چه بهتر فریاض و وظایف خود راهنمایی کنند و همواره به اصول و ضوابط پای بندند.

«وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ» (حج، ۴۷)

«و از تو با شتاب تقاضای عذاب می‌کنند، با آنکه هرگز خدا وعده اش را خلاف نمی‌کند، و در حقیقت، یک روز از قیامت نزد پروردگارت مانند هزار سال است از آنچه می‌شمردید.»

تقاضاهای عجولانه و نابجا، گرچه به صورت گروهی و مکرر باشد، نباید مدیران را وادار به عمل غیرحکیمانه کند. در قرآن بارها از شتابزدگی و درخواست‌های نابجای منحرفان سخن به میان آمده که خداوند به پیامبرش می‌فرماید: این درخواست‌های نابجا در برنامه‌ریزی حکیمانه الهی تأثیر نمی‌گذارد (قرآنی، ۳۰۰ نکته مدیریتی).

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (حج، ۵۲)

«و پیش از تو نیز هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم جز اینکه هر گاه چیزی تلاوت می‌نمود، شیطان در تلاوتش القای شبهه می‌کرد. پس خدا آنچه را شیطان القا می‌کرد محو می‌گردانید، سپس خدا آیات خود را استوار می‌ساخت، و خدا دانای حکیم است.»

همه پیامبران الهی، برای پیشبرد اهداف خود، آرزوهایی در ذهن داشتند. مدیران باید برای انجام اهداف و پیاده‌سازی وظایف خود، طرح و برنامه داشته باشند (قرآنی، ۳۰۰ نکته مدیریتی).

سوره مومنون

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (مومنون، ۱)

«به راستی مومنان رستگار شدند.»

این آیه اشاره بر این موضوع دارد که مردم چه در مقام مدیر و چه در مقام کارمند، هنگامی که ایمان داشته باشند، موفق می شوند. در خطبه ۱۵۷ از نهج البلاغه این نکته بیان شده است که حضرت می فرماید: بدانید ای بندگان خدا تقوا جایگاه حفاظتی بسیار با ارزش برای حفظ نفس از الودگی هاست. آگاه باشید، تنها به وسیله تقوا است که نیش های گناهان بر نفس قطع می گردد و تنها به وسیله یقین است که غایت نهایی دریافت می شود (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷، ص ۴۵۷).

«ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ» (مومنون، ۴۵)

«سپس موسی و برادرش هارون را با آیات خود و حجتی آشکار فرستادیم.»

«إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَتْهُ فَاسْتَكْبَرُ وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ» (مومنون، ۴۶)

«به سوی فرعون و سران قوم او ولی تکبر نمودند و مردمی گردنکش بودند.»

برای آغاز اصلاح در امور، باید به سراغ سرچشمه های فساد رفت (قرائتی، ۳۰۰ نکته مدیریتی).

«مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لُدَّهِبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَعَلَىٰ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ» (مومنون، ۹۱)

«خدا فرزندی اختیار نکرده، و با او معبودی دیگر نیست، و اگر جز این بود، قطعاً هر خدایی آنچه را آفریده بود با خود می برد، و حتماً بعضی از آنان بر بعضی دیگر تفوق می جستند. منزّه است خدا از آنچه وصف می کنند.»

هیچ کسی، شریک خدا نیست. وحدت مدیریت و فرماندهی، یکی از نکات اصلی موفقیت در مدیریت اسلامی است. (هر فرد در سازمان باید تنها یک رئیس مستقیم داشته باشد.) (قرائتی، ۳۰۰ نکته مدیریتی).

سوره نور

«الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ

بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور، ۲)

«به هر زن زنا کار و مرد زنا کاری صد تازیانه بزنید، و اگر به خدا و روز باز پسین ایمان دارید، در دین خدا، نسبت به آن دو دلسوزی نکنید، و باید گروهی از مومنان در کیفر آن دو حضور یابند.»

مجازات متخلفان در سازمان باید به گونه ای باشد که دیگران از آن عبرت گیرند، زیرا مجازات، علاوه بر تنبیه فرد متخلف، هدف تربیتی سازمانی و عمومی را نیز به دنبال دارد (قرائتی، ۳۰۰ نکته مدیریتی).

«إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا نَحْسِبُهُ شَرًّا لَّكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نور، ۱۱)

«در حقیقت کسانی که آن بهتان را آوردند، دسته ای از شما بودند. آن تهمت را شری برای خود تصور مکنید بلکه برای شما در آن مصلحتی بوده است. برای هر مردی از آنان که در آن کار دست داشته اند همان گناهی است که مرتکب شده است، و آن کس از ایشان که قسمت عمده آن را به گردن گرفته است عذابی سخت خواهد داشت.»

کسی که در انجام گناه نقش اصلی را ایفا کرده است، عذاب بزرگ و مجازات سنگینی در انتظارش است. تنبیه و توبیخ باید متناسب با میزان نقش افراد در تخلف باشد. کسی که نقش محوری داشته است قطعاً مجازات بیشتری نسبت به دیگران خواهد داشت (قرائتی، ۳۰۰ نکته مدیریتی).

«إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ آيَاتِ الْفَاكِهَةِ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور، ۱۹)

«کسانی که دوست دارند که زشت کاری در میان آنان که ایمان آورده اند، شیوع پیدا کند، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پر درد خواهد بود، و خداست که می داند و شما نمی دانید.»
تخریب اهل ایمان به خصوص مدیران و مسئولان، امری است که باید به شدت با آن برخورد شود و عوامل آن، مجازات سختی می شوند (قرائتی، ۳۰۰ نکته مدیریتی).

«وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ» (نور، ۳۴)
«همانا برای هدایت و سعادت شما آیاتی روشن نازل گردانیدیم و داستانی از آنان که پیش از شما در گذشتند برای عبرت خلق و موعظه برای اهل تقوا فرستادیم.»

مدیران موفق بر پایه اصول و ضوابط تعیین شده پیش می روند و از پیروزی ها و ناکامی های گذشتگان و سازمان های دیگر می آموزند و از تجربیات آنها در تصمیم گیری های خود بهره می جویند.

«رَجُلًا لَّا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا يَبِيعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» (نور، ۳۷)

«مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی دارد، و از روزی که دل ها و دیده ها در آن زیر و رو می شود می هراسد.»
مدیران نظام اسلامی باید در هنگام اذان، برای اقامه نماز قیام نمایند و انجام کار اداری مانع اقامه نماز نشود (قرائتی، ۳۰۰ نکته مدیریتی).

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوا إِنْ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأُذِنَ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرَ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور، ۶۲)

«جز این نیست که مومنان کسانی اند که به خدا و پیامبرش گرویده اند، و هنگامی که با او بر سر کاری اجتماع کردند، تا از وی کسب اجازه نکنند نمی روند. در حقیقت، کسانی که از تو کسب اجازه می کنند؛ آنانند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند. پس چون برای برخی از کارهایشان از تو اجازه خواستند، به هر کس از آنان که خواستی اجازه ده و برایشان آمرزش بخواه که خدا آمرزنده مهربان است.»

افراد و کارکنان سازمان، برای گرفتن مرخصی (و انجام کارهای شخصی)، باید مقام مافوق را در جریان قرار دهند تا به فرآیند کارهای سازمان لطمه وارد نشود. مدیران می توانند با درخواست مرخصی کارکنان موافقت کنند و می توانند برای رعایت مصلحتی بالاتر، موافقت نکنند (قرائتی، ۳۰۰ نکته مدیریتی).

سوره فرقان (از ابتدای سوره تا پایان آیه ۲۰)

«وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا» (فرقان، ۷)

«وگفتند: «این چه پیامبری است که غذا می خورد و در بازارها راه می رود؟ چرا فرشته ای به سوی او نازل نشده تا همراه وی هشدار دهنده باشد؟»
«أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كِتَابٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا» (فرقان، ۸)
«یا گنجی به طرف او افکنده نشده یا باغی ندارد که از بار و بر آن بخورد؟ و ستمکاران گفتند: «جز مردی افسون شده را دنبال نمی کنید.»

مدیران اسلامی همچون مردم عادی ساده زندگی می کنند و از مقام و قدرت و خود و منافع سازمان جهت استفاده های شخصی بهره نمی گیرند. و همواره باید این نکته را مد نظر

داشته باشند که ممکن است عده‌ای به صورت علنی یا غیر علنی بر علیه آنان توطئه کنند و یا ذهن دیگر اعضای سازمان را بر علیه آنان بشورانند.

«وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا» (فرقان، ۲۰)

«و پیش از تو پیامبران خود را نفرستادیم جز اینکه آنان غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند، و برخی از شما را برای برخی دیگر آزمایش قرار دادیم. آیا شکیبایی می‌کنید؟ و پروردگار تو همواره بیناست.»

مدیران از میان اعضای سازمان می‌باشند که با توفیق بر شرایط سخت و صبر و شکیبایی به این مقام رسیده‌اند. صبر و شکیبایی از ویژگی‌های مدیر اسلامی است.

نتیجه‌گیری

و اکنون این مسئله بارز است که قرآن به عنوان بهترین منبع راهنما برای انسان‌ها در ابعاد مختلف زندگی می‌باشد، و بهترین راهنما برای انسان‌ها در ابعاد مختلف زندگی می‌باشد. و تنها راه سعادت و کمال انسان تمسک جستن به آیات نورانی قرآن و بهره‌گیری از نکات ظریف و آموزنده در سوره‌های قرآن می‌باشد. همچنین اگر مدیران و انسان‌ها با بینش قرآنی اداره امور کار و زندگی خود را در تمامی امور بهترین تصمیم‌ها و راه‌حل‌ها را اتخاذ خواهند کرد، و این تنها راهی است که مقصدی جز کمال و قرب الهی در پیش ندارد.

منابع

- قرآن مجید
- نهج البلاغه، ترجمه علامه محمد تقی جعفری، (۱۳۸۱) تهران، انتشارات تهذیب.
- اختری، عباس علی. (۱۳۶۹). مدیریت علمی از دیدگاه اسلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- افجه‌ای، سید علی. (۱۳۸۸). مدیریت اسلامی، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی.
- الوانی، سید مهدی. (۱۳۶۷). مدیریت عمومی، تهران، نشر نی.

- انغانلودین، شهین. (۱۳۸۰). اصول مدیریت از دیدگاه قران و حدیث، مشهد، انتشارات
واسع.
- ایران نژاد پاریزی، مهدی. ساسان گوهر، پرویز. (۱۳۷۹). سازمان مدیریت از تئوری تا
عمل، تهران، انتشارات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹
- جمعی از اساتید مدیریت، دیدگاه های اسلام درباره مدیریت، تهران، ناشر مرکز آموزش
مدیریت دولتی، ۱۳۷۸
- حیدری تفرشی، غلامحسین. (۱۳۸۶). مبانی سازمان و مدیریت، اراک، انتشارات نویسنده
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). دویست نکته اصول مدیریت فرهنگی، تهران، ناشر درس هایی
از قران
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۵). سیصد نکته در مدیریت اسلامی، تهران، ناشر مرکز درس هایی
از قران، ۱۳۸۵
- مشرف جوادی، محمد حسین. (۱۳۷۸) اصول و متون مدیریت در اسلام، همدان،
انتشارات نور.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۶). مدیریت و فرماندهی در اسلام، ناشر موسسه تحقیقات و
نشر معارف اهل بیت (ع)
- میر کمالی، سید محمد. (۱۳۸۵). فرهنگ مدیریت آموزشی، تهران، انتشارات یسطرون.